

## بازشناسی و مکان‌یابی شهرهای: سیمره، ابن‌هبیره و هاشمیه (نقدی بر یک مکان‌یابی)

محمدابراهیم زارعی<sup>۱</sup> اکبر شریفی‌نیا<sup>۲</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2019.4924](https://doi.org/10.22034/SKH.2019.4924)

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۰

نوع مقاله: ترویجی

### چکیده

شهر سیمره یا دره‌شهر امروزی که به تصدیق منابع تاریخی در دوره پیش از اسلام، مهرگان کدگ یا به زبان اعراب، مهرجان قذق نامیده شده، در غرب ایران واقع شده است. سیمین لک‌پور در کتاب کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره)، درباره مکان‌یابی شهر سیمره به اظهارنظر پرداخته و با ارائه دلایلی، شهر سیمره را منطبق بر شهر ابن‌هبیره از دوران اموی و نیز هاشمیه در دوره عباسی می‌داند.

پژوهش حاضر، بر آن است تا به شیوه تاریخی و بر اساس متون و منابع جغرافیایی اسلامی، به ردّ این ادعا بپردازد و با ارائه جغرافیای تاریخی هر یک از سه شهر نامبرده، انفکاک آنها را از هم نشان دهد. بر اساس نتایج این پژوهش، شهرهای یادشده، در یک موقعیت جغرافیایی یکسان قرار نداشته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهر سیمره، مرکز ایالت مهرجان قذق، از دوره ساسانی و بعدها شهری از استان جبال و در حدّ شمالی استان خوزستان با الگوی معیشتی کشاورزی، شهر ابن‌هبیره شهری از دوره اموی و میان بغداد و کوفه و با الگوی معیشتی مبتنی

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسندهٔ مسؤول):

mohamadezareei@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان: Akbar.sharifinia<sup>۳۹</sup>@gmail.com

بر تجارت و بازرگانی و به احتمال بسیار کشاورزی، و شهر هاشمیه شهری منسوب به ابوالعباس سفاح از دوره عباسی و موقعیت تقریبی آن به احتمال بسیار قوی منطقه انبار و به احتمال بسیار کمتر، نزدیکی کوفه بوده است. بنابراین، مکان‌یابی شهرهای ابن‌هبیره و هاشمیه در شهرستان دره‌شهر، با استناد به مطالعات انجام‌شده، قابل تأیید نمی‌باشد.

### واژگان کلیدی

سیمره، ابن‌هبیره، هاشمیه، مکان‌یابی.

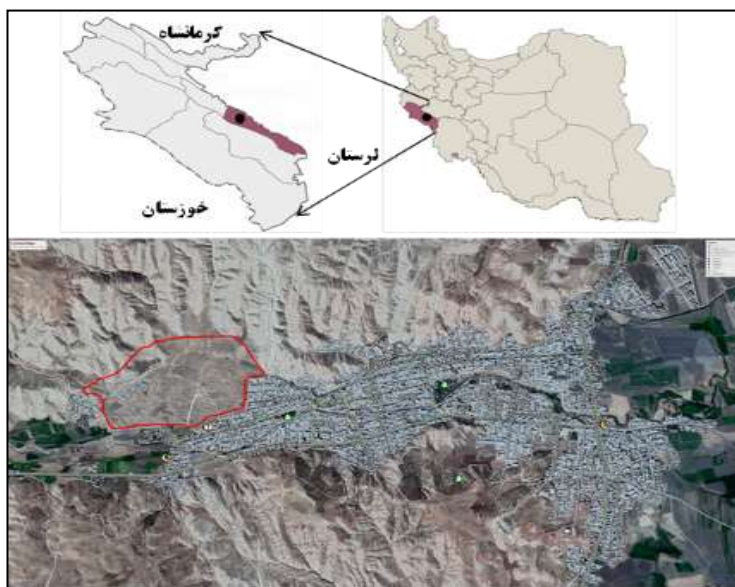
### مقدمه

مطالعه وضعیت جغرافیایی یک منطقه یا مکان خاص در طول تاریخ و تطور آن در گذر زمان که اصطلاحاً جغرافیای تاریخی نامیده می‌شود، یکی از گرایش‌های عمده در مطالعات تاریخی محسوب می‌شود (رحمتی، ۱۳۹۵: ۸). یکی از روش‌های متمرکز ساختن موضوعات مطالعاتی در حوزه جغرافیای تاریخی، تمرکز مطالعه بر محدوده‌ای کوچک از نظر جغرافیایی و عمق بخشیدن به آن است (اشتری‌نفرشی، ۱۳۹۲: ۹). به نظر می‌رسد، با گذشت زمان و تغییر بسیاری از اسامی شهرها و مناطق جغرافیایی، رجوع به متون جغرافیایی به‌جای‌مانده از جغرافیانویسان مسلمان، می‌تواند راهگشای فهمی درست از جغرافیای تاریخی مناطق مورد نظر پژوهشگران باشد.

یکی از مناطق جغرافیایی ایران در دوره ساسانی و قرون نخستین اسلامی، شهر «سیمره» واقع در غرب کشور و جزئی از ایالت جبال بوده است. خانم سیمین لک‌پور در کتابش به نام کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر، بر اساس برخی ملاحظات از جمله شجره‌نامه خاندان هاشمی و بعضی ملاحظات باستان‌شناسی در دره‌شهر، به این نتیجه می‌رسد که احتمالاً دره‌شهر امروزی، همان شهر هاشمیه‌ای باشد که در زمان خلفای عباسی ساخته شده است و در نتیجه، همان محلی است که در متون از آن به عنوان قصر ابن‌هبیره نام برده شده است (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۵). این دیدگاه، باعث برخی ابهامات تاریخی و فرهنگی در خصوص ویرانه‌های به‌جای‌مانده شهر تاریخی سیمره در میان ساکنان شهرستان دره‌شهر شده است. بنابراین، ضروری به نظر رسید تا در یک پژوهش جامع، جغرافیای تاریخی شهرهای فوق‌الذکر را با استناد به متون جغرافیایی قرون نخستین اسلامی استخراج نماییم.

هدف اصلی این پژوهش که با روش تاریخی - تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده‌های

تاریخی و جغرافیایی بر اساس متون به‌جای‌مانده از قرون نخستین اسلامی سامان یافته، مطالعه تطبیقی جغرافیای تاریخی شهرهای: سیمره، ابن‌هبیره و هاشمیه در قرون نخستین اسلامی و رد دیدگاه خانم لک‌پور درباره یکی بودن این سه شهر است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه با استناد به محتوای متون و منابع تاریخی و جغرافیایی، شهرهای: سیمره، ابن‌هبیره و هاشمیه در کدام موقعیت‌های جغرافیایی قرار داشته و وضعیت معیشتی، اجتماعی و دینی این مناطق، به میزانی که از محتوای این متون و منابع قابل استخراج است، چگونه بوده است؟



تصویر شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان دره‌شهر و شهر تاریخی سیمره (نگارندگان)

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت، کتاب کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره) نوشته سیمین لک‌پور (۱۳۸۹)، جدیدترین پژوهشی است که بر اساس داده‌های باستان‌شناسی، شهر سیمره را همان شهر ابن‌هبیره و بعدها شهر هاشمیه نامگذاری می‌کند و موقعیت جغرافیایی این شهرها را ویرانه‌های امروزی شهر تاریخی سیمره در قسمت جنوب و جنوب غربی شهرستان دره‌شهر ذکر می‌کند. پس از آن، نویسندگان کتاب باستان‌شناسی و تاریخ دره‌شهر (سیمره) (شریفی‌نیا و شاکرمی) (۱۳۹۶)، موقعیت جغرافیایی شهر سیمره و ابن‌هبیره را بررسی و به آن پرداخته‌اند. متأسفانه در این منبع، ذکری از موقعیت جغرافیایی شهر هاشمیه به

میان نیامده است و نویسندگان، فقط به بررسی موقعیت جغرافیایی دو شهر سیمره و ابن هبیره پرداخته‌اند. پیش از این منابع، در دیگر پژوهش‌های انجام‌شده، نویسندگان تنها به شرحی بر جغرافیای تاریخی سیمره پرداخته‌اند؛ برای نمونه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- مدخل «سیمره (صیمره)» نوشته عباس احمدوند (۱۳۹۷) در دانشنامه جهان اسلام که در آن نویسنده به شرح مختصری از جغرافیای تاریخی شهر سیمره در دوران ساسانی پرداخته و پس از آن، به شرح بیشتری در خصوص فتح سیمره و اقلیت‌های دینی آن در دوران اسلامی و نابودی این شهر، هرچند با اتکا بر منابع اندک می‌پردازد؛

- «از مهرگان تا سیمره، بررسی تحولات فرهنگی و اجتماعی ناحیه مهرگان کدک از ورود اسلام تا سال ۳۵۰ هجری قمری» نوشته ایوب عباسی (۱۳۸۳)؛

- «استان کنونی ایلام و عیلام؛ پژوهشی در جغرافیای تاریخی ماسبذان و مهرجان قذق» نوشته حسین قره‌چانلو (۱۳۶۰)؛

- «مکان‌یابی ایالت‌های ماسبذان و مهرجان قذق بر اساس متون دوره اسلامی و داده‌های باستان‌شناسی» از محمدابراهیم زارعی و دیگران (۱۳۹۱)؛

- «بررسی و تحلیل جایگاه ایالات ماسبذان و مهرجان قذق (ایلام) در دوره خلافت عباسی» از مرتضی اکبری (۱۳۹۴)؛

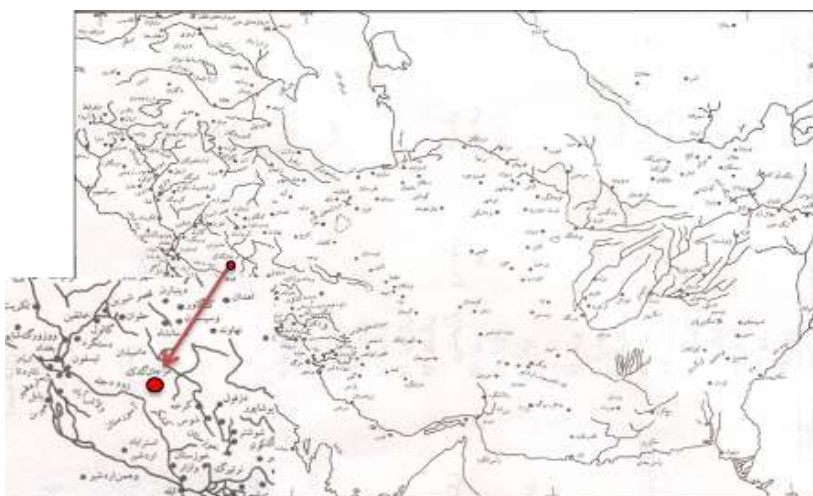
- «جغرافیای تاریخی دو ایالت ساسانی ماسبذان و مهرجان قذق و چگونگی فتح آنها به دست اعراب مسلمان» از مزگان اسماعیلی و علی‌بیگی (۱۳۹۳). در این پژوهش، نویسندگان ضمن انجام اصلاحاتی بر متن کتاب باستان‌شناسی و تاریخ دره‌شهر (سیمره) و رفع ایرادهای ویرایشی و محتوایی آن، اطلاعات گردآوری‌شده درباره شهر ابن هبیره را جامع‌تر و موقعیت جغرافیایی شهر هاشمیه را نیز ارائه می‌کنند.

## الف. شهر سیمره

### ۱. جغرافیای تاریخی شهر سیمره در دوران ساسانی

در دوران ساسانی، سرزمین ایران به چهار ناحیه تقسیم می‌شد، شامل: کوست خوربران (ناحیه غرب با نُه استان)، کوست نیمروچ (نیمروز) (ناحیه جنوب با نوزده استان)، کوست خراسان (ناحیه شرق با بیست‌وشش استان) و کوست کپکوه که در نواحی کوه قفقاز و دارای سیزده استان است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۷ - ۳۸). استان مهرگان - کدک (به عربی: مهرجان قذق)، جزء ناحیه غرب یا

همان کوست خوربران بود. غرب یا کوست خوربران، به زبان پهلوی: کوست خوربران، و در بندهشن: کوست خوروران، و بنا بر نوشته ابن‌خردادبه: خربران نام داشته است. این نام، در مورد یکی از قبایل کُرد است که محل اصلی آنان، سیمره بوده و دو روز تا راه شیروان فاصله دارد و مهرگان - کذک<sup>۱</sup> که یک میلی سیمره است، مقر هرمزان خوزستان بود (همان: ۴۳ - ۴۹، تصویر شماره ۲).<sup>۲</sup>



تصویر شماره ۲: استان‌های ایران در اوایل دوره ساسانی و موقعیت جغرافیایی مهرجان‌گدک (برونر، ۱۳۸۱: ۱۵۲)

طبری مهرجان‌قذق و اهواز را محل استقرار هرمزان و خاندان او که یکی از هفت خاندان پارسی روزگار ساسانی بودند، می‌داند. به نظر وی، شکست هرمزان در نبرد قادسیه، باعث شد به نزد خاندان خویش رفته و در آن محل استقرار یابد و آماده نبرد با سپاه اعراب گردد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۸۸۳). بلاذری برخلاف نظر طبری، در توضیح نبرد جلولاء، تنها مهرجان‌قذق را

۱. یاقوت حموی در معجم البلدان درباره وجه تسمیه مهرجانقذق می‌نویسد: «این نام از سه کلمه: «مهر» و «جان» و «قذق» شکل گرفته است. مهر، به معنای خورشید و محبت [است] و جان، به معنای روح و روان است و کدگ (قذق) گمان می‌رود نام مردی باشد. و آن (مهرجانقذق)، کوره‌ای است گسترده و دارای شهرهای زیاد و نزدیک سیمره است از نواحی جبال» (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۲۳۳).

۲. به نظر می‌رسد که ماسبذان و مهرجانقذق، در دوران استیلای اعراب، جزء خوزستان محسوب می‌شدند (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۱۸۸ و ۱۸۹).

محل حکومت هرمزان بیان می‌کند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۳۰). در ذیل جغرافیای کواذ (قباد)، مهرجان قذق از جمله شهرهای آباد دوران ساسانی است که نام آن در کنار دوازده شهر دیگر مورد پسند قباد پسر فیروز، به لحاظ منابع آب و خاک قرار دارد (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۷۲). برخی دیگر از منابع، سیمره را بخشی از استان «شاذ - پیروز» دوره ساسانی قلمداد شده است. در ذکر اسامی شهرهای این استان آمده است:

استان «شاذ - پیروز» را پنج «تسوگ» (تسوج، تسوج) تشکیل می‌داد که عبارت بود از «پیروز - کواذ» (قباد)، «جبال»، «سیمره»، «اربل»، «خانقین» (مارکورات، ۱۳۷۳: ۵۳). این در حالی است که در دیگر منابع، استان شادفیروز یا همان حلوان، دارای پنج تسوگ، یعنی: شادفیروز قباد، ناحیه جبل، ناحیه اربل، ناحیه تامرا و ناحیه خانقین بوده است و سیمره، بخشی از این استان محسوب نمی‌شده است (قدامه‌الجعفر، ۱۳۷۰: ۱۲۲؛ ملایری، ۱۳۷۹: ۲۲۹ - ۲۳۷).

شهر سیمره در دوره ساسانی، شاهد برخی حوادث و وقایع سیاسی و نظامی این دوران بوده است؛ برای نمونه، زمانی که خسرو پرویز بر تخت سلطنت ساسانی قرار گرفت و بندویه را به قتل رسانید، بسطام، برادر بندویه به طبرستان فرار کرد و با تصرف مناطق حلوان و سیمره، آماده نبرد با خسرو پرویز گردید (دینوری، ۱۳۸۳: ۱۳۳ - ۱۳۵). در متون و منابع تاریخی و جغرافیایی قرون نخستین اسلامی، آنجا که ذکری از شهرهای پهلوی به میان آمده است، اسامی شهرهای سیمره و مهرجان قذق نیز دیده می‌شود که در آنجا زبان پهلوی رواج داشته است (حبیبی، ۱۳۸۰: ۷۴۷)؛ برای نمونه، «شیرویه بن شهردار همدانی (متوفای ۵۰۹ق)، شهرهای پهلویان را هفت شهر: همدان، ماه‌سبدان، قم، ماد بصره، صیمره، مادکوفه و کرمانشاه دانسته (قمی، ۱۳۸۵: ۲۲۸)، و یا در کتاب مسالک الممالک شهرهای پهلویین عبارت‌اند از: ری، اصفهان، همدان و... مهرجان قذق، ماسپدان و... (ابن‌خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۳). به نظر می‌رسد که سیمره در دوران ساسانی، به عنوان مرکز حکومتی هرمزان و یکی از مناطق مهم ایالت مهرجان قذق و مرکز آن و در ارتباطی مستقیم با استان خوزستان و به گمان بسیار جزئی، از قلمرو سیاسی این استان محسوب می‌شده است؛ چراکه در متون و منابع تاریخی و جغرافیایی، آنجا که ذکری از حوادث و وقایع سیاسی و نظامی هرمزان به میان می‌آید، دامنه وقایع منطقه خوزستان و مهرجان قذق را دربرمی‌گیرد. بر اساس منابع منتشرشده، محل حکمرانی هرمزان، خوزستان و مهرگان کدک و ماسپدان بوده

است.<sup>۱</sup>

در تکمیل و تأیید محتوای متون و منابع تاریخی و جغرافیایی باید گفت، فعالیت‌های باستان‌شناسی به کشف شواهدی از دوران ساسانی در شهر تاریخی سیمره منجر گردید. نخستین مطالعات باستان‌شناسی صورت‌گرفته در شهر تاریخی سیمره، در سال ۱۳۶۲ و به سرپرستی سیف‌الله کامبخش‌فرد به سرانجام رسید. نتیجه فعالیت ایشان در تپه پامیل این شهر و در عمق ۷/۲۰ سانتی‌متر، نمایانگر استقرار در عصر ساسانی با داده‌هایی از سفال‌های بدون لعاب و یک‌دست از اواخر دوره ساسانی و اوایل اسلام بود<sup>۲</sup> (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸: ۵۳). به نظر ایشان، در بسیاری از موارد، طاق‌های جناقی حاکی از تغییراتی در شکل معماری از ساسانی به اسلامی است؛ ولی این دگرگونی‌ها و سبک جدید در دره‌شهر (سیمره)، عارضه‌ای است که دو مکتب را که به دنبال هم استمرار می‌یابد، در کنار هم با علت‌های تغییر نشان می‌دهد (همان: ۴۷؛ تصویر شماره ۳).



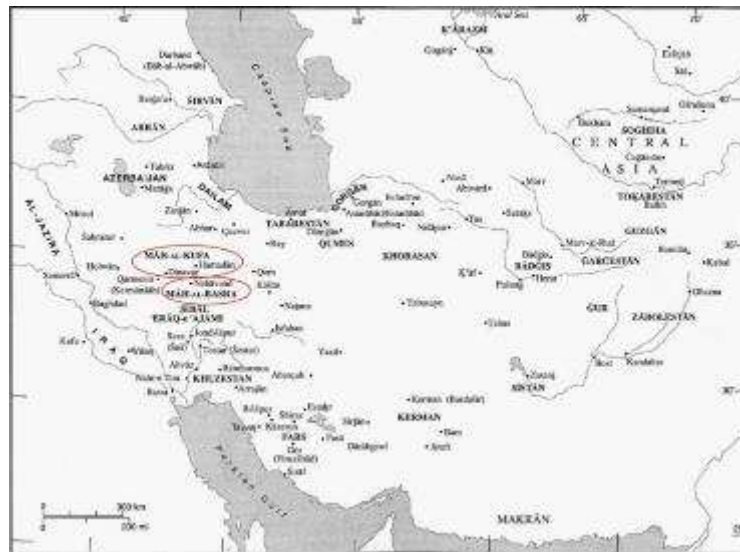
تصویر شماره ۳: موقعیت تپه پامیل در شهر تاریخی سیمره: دید از جنوب غرب (تصویر از

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر، رک: گیلانی، نجم‌الدین و علی‌اکبر کججاف (۱۳۹۳)، «تحلیل مقاومت‌های هرمان مهرگانی در برابر اعراب مسلمان»، فصلنامه فرهنگ ایلام، دوره پانزدهم، شماره ۴۵ و ۴۴: ۱۲۵ - ۱۳۷.
۲. علاوه بر نتایج مطالعات باستان‌شناسی، مطالعات منتشرشده در قالب سفرهای علمی به منظور شناسایی نقاط باستانی ایران، شهر سیمره را شهری از دوران ساسانی ذکر می‌کنند. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این باره، رک: Stein, ۱۹۴۰: ۲۰۶-۲۰۸؛ راولینسون (۱۳۶۲: ۶۶-۶۵)، دومرگان (۱۳۶۹: ۲۵۰-۲۴۹)، اشمیت (۱۳۷۶: ۱۱۷)، کریمی (۱۳۲۹: ۱۲۲).

شریفی نیا)

## ۲. فتح مهرجان قذق و سیمره توسط سپاهیان اعراب

اعراب پس از تصرف ایران در قرون نخستین اسلامی، به سرعت پادگان‌های نظامی از سپاهیان بصره و کوفه را ابتدا در مناطقی چون: نهاوند، دینور، سیروان، سیمره، اصفهان، قزوین، قم، ری و... و سپس، گروه دوم پادگان‌های نظامی خود را در مناطقی دیگری مانند: حلوان، بلخ، بخار و... مستقر کردند. دلایلی چون ایجاد مناطق نظامی در سرحدات و نیز تمرکز بر مناطق اقتصادی مهم، از جمله نکات مورد توجه اعراب برای ایجاد چنین پادگان‌های نظامی بود<sup>۱</sup> (Morony, ۲۰۰۶: ۵۴۳-۵۵۰). سیمره در این دوران، بخشی از متصرفات سپاهیان بصره بیان شده است (ابن‌بلخی، ۱۳۷۴: ۲۸۳؛ نقشه شماره ۱).



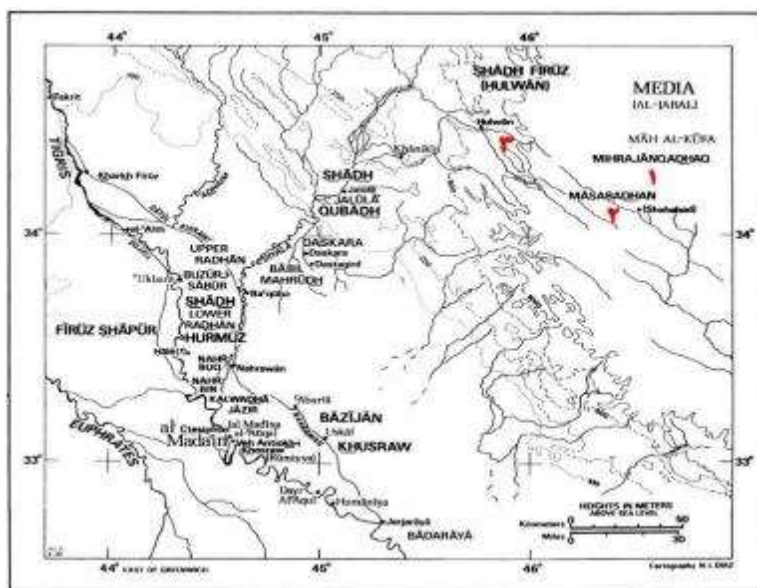
نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرهای ایران و عراق در دوره عباسیان

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این باره، رک:

Morony, M. (۲۰۰۶), IRAQ i. IN THE LATE SASANID AND EARLY ISLAMIC ERAS, Encyclopaedia Iranica, Vol. XIII, Fasc. ۵, pp. ۵۴۳-۵۵۰.



و نیز موقعیت جغرافیایی مناطق «ماه کوفه و ماه بصره» (morony, ۲۰۰۶) درباره فتح منطقه مهرجان قذق، اکثریت متون و منابع تاریخی و جغرافیایی، سائب بن اقرع ثقفی را فاتح شهر مهرجان قذق و تمامی کوره‌های آن می‌دانند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۳۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۹: ۱۹). مناطق مفتوحه که توسط سپاه سعد فتح گردید، شامل ماسبدان و مهرجان قذق می‌شد. این مناطق، متعلق به اواخر دوره ساسانیان است و بر اساس اثر مهری متعلق به *mōbadeh*، مهرجان قذق (۵۷۶ - ۵۸۵ م) و ماسبدان (۵۵۴ - ۵۷۶ م) اسقف‌نشین نسطوریان بوده‌اند. بعد از فتوحات اعراب، در سال‌های ۱۶ تا ۲۱ هجری مناطق مرزی جبال در غرب، یعنی مهرجان قذق و ماسبدان، بعد از نبردهای «نپاوند» و «بردهان»، تحت تابعیت حکومت کوفه (ماه کوفه) درآمدند. به نظر می‌رسد در این دوران، حلوان به عنوان مرکز اداری ماه کوفه قلمداد می‌شد. بنابراین، جغرافی دانان بهتر دانستند که حلوان را بخشی از عراق در نظر بگیرند (۲۰ - ۲۱: ۱۹۸۲: morony، نقشه شماره ۲).



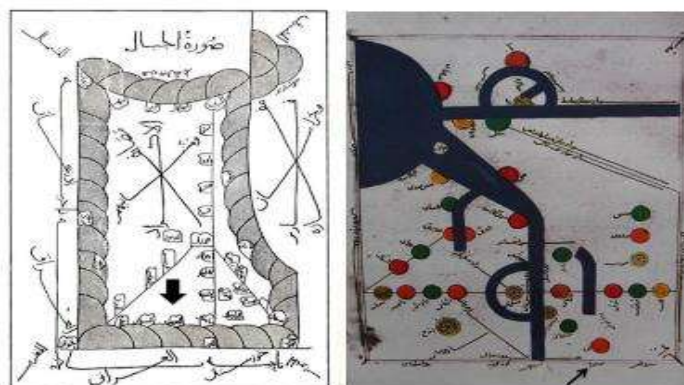
نقشه شماره ۲: موقعیت جغرافیایی مهرجان قذق (۱)، ماسبدان (۲)، حلوان (۳) (همان: ۱۹)

۱. به نظر می‌رسد، در این نقشه، موقعیت جغرافیایی مهرجان قذق و ماسبدان، به درستی تعیین نشده است. ماسبدان، امروزه در قسمت غربی شهر مهرجان قذق و با مرکزیت سیروان در نزدیکی ایلام، و بر روی نقشه در قسمت بالای

اعراب پس از فتح ایران، نواحی کوهستانی غرب ایران را جبال نامیدند که به گفته ابن فقیه همدانی، از غرب به جلگه‌های بین‌النهرین، و از شرق به کویر بزرگ ایران محدود بود و شاهرآه بزرگ خراسان که از بغداد به سوی مشرق، به آخرین حدود کشورهای اسلامی می‌رفت، پس از عبور از جلگه بین‌النهرین در حلوان، از ایالت جبال وارد ناحیه کوهستانی ایران می‌شد (ابن فقیه همدانی، ۱۳۷۹: ۲۰۱). ابن فقیه در جایی دیگر، درباره کوهستان می‌گوید: «این ناحیه (جبال) را شهرهای پهلویان نامند و آنها همدان است و ماسبدان و مهرجان قذق؛ که صیمره (کمره) است و قم و ماه‌بصره (نهایوند) و ماه‌کوفه (دینور) و کرمانشاهان» (همان: ۲۳). اصطخری شهرهای: همدان، رودزاور، رامن، بروجرد، فراونده و زادقان، شابرخواست، لاشتر و نهایوند، قصرالوصص، آسداباد، دینور، قرماسین، مرج، طرز، حورمه، سهرورد، ابهر، سمنان، قم، قاشان، روذه، بوسنه، کرج، برج، گربایگان، سرای ودوان، اصبهان، جهودستان، خان‌لنجان [خونجان]، باره، صیمره، نواحی سیروان، دوربنی‌الراسی، طالقان، قزوین، قصرالبرازدین، زنجان را در محدوده ایالت جبال برمی‌شمارد (اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۱۷).

### ۳. موقعیت جغرافیایی شهر صیمره در استان جبال

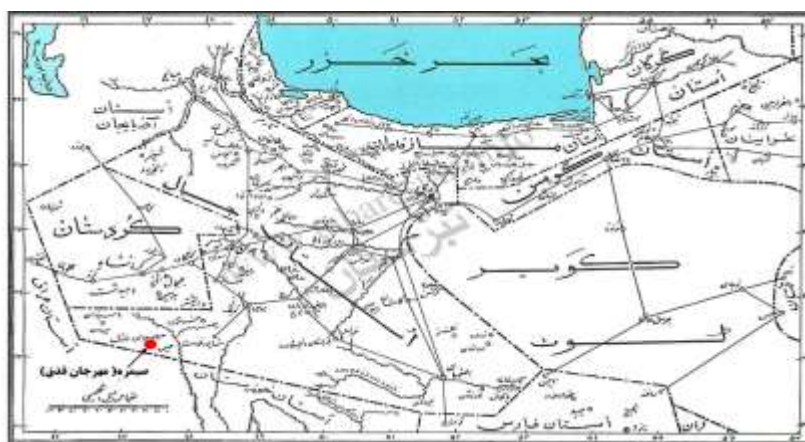
در ذکر شهرهای استان جبال، اقوال بسیاری در متون و منابع تاریخی و جغرافیایی بیان شده است. در این منابع، صیمره و مهرجان قذق، از جمله شهرهای مهم این استان ذکر شده‌اند (قمی، ۱۳۸۵: ۶۰؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۵). در کتاب مسالک الممالک اصطخری ضمن توضیح درباره شهرهای کوهستان (جبال)، موقعیت جغرافیایی صیمره در حد شمالی خوزستان بیان شده است (اصطخری، ۲۰۰۴: ۶۲؛ تصاویر شماره ۴).



مهرجان قذق قرار دارد.

تصاویر شماره ۴: راست: نقشه خوزستان و موقعیت جغرافیایی شهر سیمره نسبت به آن، برگرفته از کتاب مسالک الممالک (اصطخری، ۲۰۰۴)؛ چپ: موقعیت جغرافیایی شهر سیمره در کتاب صورة الارض (ابن‌حوقل: ۱۳۶۶)

لسترنج نیز موقعیت جغرافیایی مهرجان قذق و سیمره را در غرب لر کوچک و در مرز غربی عراق عرب و پنجاه میلی شرق ماسپدان ذکر می‌کند (نقشه شماره ۳).



نقشه شماره ۳: موقعیت جغرافیایی استان مهرجان قذق و سیمره در قرون نخستین اسلامی (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۰۲)

مسعودی موقعیت جغرافیایی شهر سیمره را در دامنه کوهی به نام «کبر» ذکر می‌کند (مسعودی، ۱۸۹۳: ۴۴). کبر می‌تواند همان کبیرکوه در ضلع جنوبی شهر سیمره باشد که در زبان محلی منطقه آن را «کور» می‌نامند (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵: نمایی از شهر سیمره در دامنه کبیرکوه (تصویر از شریفی‌نیا). درباره محصولات کشاورزی و ویژگی‌های جغرافیایی شهر سیمره، اشارات بسیاری در متون جغرافیانویسان قرون نخستین اسلامی بیان شده است. جاری شدن چشمه‌ها و رودها در این شهر، فراوانی میوه‌های گرمسیری و سردسیری<sup>۱</sup> و محصولات<sup>۱</sup> چون: خرما، زیتون، بادام و گردو، از جمله این اشارات است (اصطخری، ۲۰۰۴م: ۱۱۸-۱۱۹؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۸؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۴: ۲۰۸۰-۲۰۸۱؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۱۸).

#### ۴. اعتقادات دینی ساکنان شهر سیمره

بر اساس مدارک تاریخی، اعم از ابنیه و متون تاریخی بازمانده، می‌توان تا حدودی به اعتقادات مردم منطقه در ادوار تاریخی پی بُرد. یافته‌های باستان‌شناسی در چهارطاقی‌های سرخ-آباد و چمنشت و نیز در دهستان ارمو، نشان از اعتقاد به دین زرتشت در عهد ساسانی، و مسجد مکشوفه در حفاری‌های شهرتاریخی سیمره واقع در دره‌شهر امروزی، گواهی بر اسلام‌آوری مردم منطقه بعد از ورود اعراب مسلمان می‌باشد (تصاویر شماره ۶).



تصاویر شماره ۶: راست: مسجد شهر سیمره که در جریان فعالیت‌های باستان‌شناسی توسط

۱. با توجه به سیما و طبیعت امروزی دره‌شهر، خواهیم دید که بخش مرتفع کبیرکوه در شمال دشت سیمره، به جهت ارتفاع زیاد، برفگیر و سرد است و بخشی که به سوی دشت خوزستان است، به علت ارتفاع کم منطقه، دارای آب و هوای گرم و خشک است. همچنین، در این منطقه، درختان گرمسیری و سردسیری نظیر: نخل، زیتون و بادام وجود دارد (زارعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸-۹).

سیمین لک‌پور در شهر تاریخی سیمره حفاری شد. چپ: چهارطاقی سرخ‌آباد که در قسمت شرقی شهر تاریخی سیمره قرار دارد<sup>۱</sup> (تصاویر از شریفی‌نیا).

از سویی دیگر، با استناد به متون جغرافیانویسان مسلمان، پیروان فرق مختلف دینی در این شهرستان، همچون خرم‌دینان (مسعودی، ۱۳۷۰: ۲۹۷؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۸۳ و ۴۸۴؛ دینوری، ۱۳۶۶: ۴۴۴) و معتزله (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۸۲۸)، حضور و فعالیت داشته‌اند.

#### ۵. وضعیت اجتماعی ساکنان شهر سیمره

در متون جغرافیانویسان مسلمان، در باب اخلاق و آداب اجتماعی مردمان سیمره و مهرجان قذق، مطالب بسیار اندکی آمده است. اهل این دیار، به مراعات پاکیزگی و پاکی، مهربانی و نیکواخلاقی (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۷۵ - ۵۷۶) و خردمندی (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۷۴؛ ابن‌القیه، ۱۳۷۹: ۲۵) توصیف شده‌اند. کسانی چون: حسن بن مفلح بن حسن صیمری، از علماء، شارحان و محدثان و متورعان مشهور و صاحب کتاب مناسک الکثیر الفوائد؛ عبدالواحدین حسن صیمری، از علمای سیمره مهرگان؛ شیخ ابو عبدالله حسین بن علی صیمری، صاحب کتاب مناقب ابن حنیفه؛ عبادین سلیمان صیمری، از متکلمان مشهور و از اهالی سیمره مهرگان، از جمله بزرگان و دانشمندانی بودند که در این منطقه رشد کردند و پا به عرصه علم و دانش جهان اسلام نهادند (عباسی، ۱۳۸۳: ۹۱ - ۹۲؛ اسماعیلی و علی‌بیگی، ۱۳۹۳: ۳۹۷ - ۳۹۸).

#### ۶. وضعیت اقتصادی شهر سیمره

پس از تسلط اعراب بر منطقه مهرجان قذق (سیمره)، چون حاکم این منطقه به همراه منطقه ماسبذان خراج کوفه را تأمین می‌کردند، این مناطق را «ماه کوفه» می‌نامیدند. در قرون نخستین اسلامی، در ایران نقاطی وجود داشت که در آنها وصول مالیات زمین و مالیات سرانه، جداگانه به عهده شهرهای غربی ایران (دینور، ماسبذان، صیمره، اسپهان در سال ۲۰ق/۶۴۱م) بود (اشپولر، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۱۰). در متون و منابع تاریخی و جغرافیایی، ذیل مبحث مالیات شهرهای غربی ایران، گاهی از مالیات شهر سیمره، و در برخی موارد اشاراتی به مالیات شهر مهرجان قذق شده است که بر اساس فاصله بسیار نزدیک این مناطق با یکدیگر، می‌توان این اشارات مختلف را برای هر دو منطقه یکسان در نظر گرفت؛ برای نمونه، ابن خردادبه، جغرافی‌دان قرن سوم هجری

۱. لازم به توضیح است که تاریخ‌گذاری دقیق چهارطاقی سرخ‌آباد، نیازمند انجام کاوش‌های باستان‌شناسی است.

قمری، خراج ماسبذان و مهرجان قذق را سه میلیون و پانصد هزار درهم (ابن خردادبه، ۱۸۸۹م: ۳۵)، قدامه بن جعفر (متوفای ۳۳۷ق) هزارهزار و صد هزار درهم (۱،۰۰۰،۰۰۰، ۱ درهم) (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۴۳)، مقدسی، جغرافی دان قرن چهارم هجری قمری، خراج سیمره را سه میلیون و یکصد هزار (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۵۹۹) و اعتماد السلطنه در عهد قاجار با استناد به منابع قرون اولیه، آن را سه هزار هزار و صد هزار درهم (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۴: ۲۱۰۳) بیان می کنند. به نظر می رسد، این اختلاف اعداد در ذکر مالیات شهر سیمره، مربوط به زمان های مختلف تاریخی آن باشد؛ چراکه اشیولر ضمن توضیح میزان مالیات شهر سیمره، با درج تاریخ هر سال، میزان مالیات آن سال را چنین بیان می کند:

حدود سال ۱۶۹ق/۷۸۵م: ۴،۰۰۰،۰۰۰ درهم، حدود سال ۲۳۵ق/۸۵۰م: ۳،۵۰۰،۰۰۰ درهم، سال ۲۷۸ق/۸۹۱م: صیمره و ماسبذان (با شهر سیروان): ۲،۵۰۰،۰۰۰ درهم، حدود سال ۳۰۸ق/۹۲۰م: ۱،۲۰۰،۰۰۰ + ۱،۱۰۰،۰۰۰ درهم، و در حدود سال ۳۲۸ق/۹۴۰م: ۳،۱۰۰،۰۰۰ درهم (اشیولر، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۴۵ - ۳۴۶).

با توجه به مطالعات انجام شده به نظر می آید، مهرجان قذق با مرکزیت سیمره، از مناطق مهم و پُررونق ایران به شمار می آمده است؛ چراکه یکی از شاخص هایی که نشان می دهد در گذشته یک ناحیه چقدر رونق و رفاه داشته است، میزان مالیاتی است که آن شهر و ناحیه برای مرکز حکومت تهیه می نمود. دارا بودن خاک حاصل خیز، آب کافی و وجود رودخانه هایی مانند سیمره و رودخانه های فصلی متعدد در این منطقه، از جمله مهم ترین شاخص های جغرافیایی بستر ساز برای آبادانی و رونق منطقه سیمره در گذشته و حال است. براین اساس، الگوی معیشتی ساکنان سیمره را می توان کشاورزی دانست. بی گمان، این اقتصاد شکوفا در یک بستر جغرافیایی خاص و ویژه که ارتباطی مستقیم با توانمندی های محیطی سیمره جهت انجام امور کشاورزی داشته است، شکل گرفته بود.

#### ب. شهر ابن هبیره<sup>۱</sup>

پس از مرگ یزید بن ولید، برادرش ابراهیم بن ولید به حکومت رسید و مردم در شام و همه سرزمین ها با او بیعت کردند. ابراهیم بن ولید، عبدالعزیز بن حجاج بن عبدالملک بن مروان را

۱. Ibn-e Habireh.

ولیعهد خود قرار داد و یزید بن عمر بن هبیره<sup>۱</sup> را به حکومت عراق منسوب کرد (دینوری، ۱۳۸۳: ۳۹۲؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۷۷). این‌اثیر در این باره بیان می‌کند که در سال ۱۲۷ق حکومت مروان تثبیت شد. مروان به یزید بن عمر بن هبیره که در قرقیسیا بود، نامه نوشت و فرمان داد به سوی عراق حرکت کند و به او امارت عراق و ولایت‌های جریره را داد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴، ج ۲۵۰). یکی از اقدامات مهم یزید بن هبیره را ساختن قصری می‌دانند که به قصر ابن‌هبیره، و محل احداث آن به شهر ابن‌هبیره معروف شد.

### ۱. موقعیت جغرافیایی شهر ابن‌هبیره

ابن‌هبیره، به سوی عراق حرکت کرد و در عراق، به همان جایی که تا امروز هم معروف به قصر ابن‌هبیره است، رسید و در آنجا برای خود کاخی ساخت و آنجا را محل اقامت خویش و لشکریانش قرار داد. حکومت ابراهیم، دو ماه و نیم طول کشید (دینوری، ۱۳۸۳: ۳۹۲). یزید بن هبیره، ابتدا این قصر را در کنار کوفه و فرات ساخت که پس از دریافت نامه‌ای از مروان با موضوع اجتناب از اهالی کوفه، آن منطقه را ترک نمود و در کنار پلی موسوم به «جسر سورا» کاخ فرمانداری خویش را برپا ساخت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۰۷؛ یعقوبی، ۱۳۵۶: ۸۷). در فتوح البلدان در این باره آمده است:

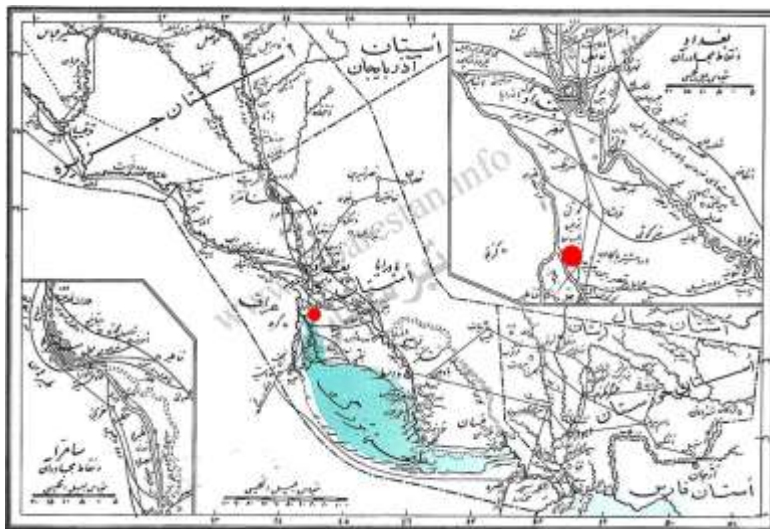
«از فعالیت‌های یزید بن عمر بن هبیره این بود که شهری را در کوفه کنار فرات بنا کرد و در آن منزل گزید و اندکی از آن مانده بود که نامه مروان به وی رسید و به او بفرمود تا از مجاورت اهل کوفه اجتناب کند. وی آن موضع را ترک کرد و در کنار «جسر سورا» قصری را که به قصر ابن‌هبیره معروف است، بساخت و بعد از اینکه امارت عراق را به او دادند، در آن قصر با لشکریانش مستقر شدند» (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۰۷). همچنین، یعقوبی در این باره بیان می‌کند:

«... و یزید بن عمر بن هبیره، فرازی در دوران مروان بن محمد بن مروان آن را بنا کرد و پسر هبیره آن روز از طرف مروان حاکم عراق بود و می‌خواست از کوفه دور باشد و آن، شهری است آباد و باشکوه که عاملان والیان در آن منزل می‌کنند و اهالی آن، مردمی به هم‌آمیخته‌اند و آن، بر نهری واقع است که از فرات جدا می‌شود و آن را «صراه» گویند و میان «قصر ابن‌هبیره» و فرات اصلی به اندازه‌ی دو میل راه است تا پلی که روی فرات اصلی است و آن را جسر سورا

۱. ابن‌هبیره، از امرای شام بود که حدود سال ۱۱۰ق درگذشت (گردیزی، ۱۳۶۳: ۶۴ - ۶۵).

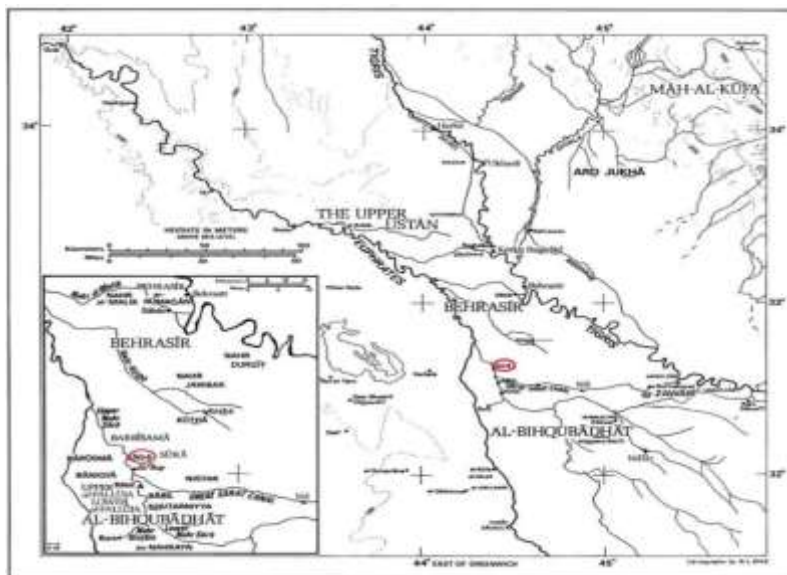
گویند» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۸۷).

برخی از منابع، قرارگیری این شهر را در نزدیکی فرات و جسر سورا و شهر بابل عنوان



می‌کنند (بروسوی، ۱۴۲۷م: ۵۲۰؛ ابن رسته، ۱۸۹۲م، ج ۱: ۳۰۸ و ۳۰۹؛ نقشه‌های شماره ۴).





ب

نقشه‌های شماره ۴: الف. موقعیت جغرافیایی قصر ابن‌هبیره (لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۲)؛

ب. موقعیت جغرافیایی رود سورا (۱۹۸۲: ۳۰, morony)

دیگر منابع، موقعیت شهر ابن‌هبیره را در شرق کوفه و به سوی بغداد، یعنی میان کوفه و بغداد ذکر می‌کنند (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳ق: ۱۶۱؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۴۷۷۹). یعقوبی بیان می‌کند:

«هرکس بخواهد از بغداد به کوفه و آنگاه به راه حجاز و مدینه و مکه و طائف رهسپار شود، از بغداد تا کوفه، سی فرسخ و سه منزل است که اول آنها، قصر ابن‌هبیره است» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۸۷). در کتاب تاریخ طبری ذکر شده است که به لحاظ موقعیت جغرافیایی، قصر در شرق کوفه و به سوی بغداد است؛ یعنی میان کوفه و بغداد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۴۷۷۹). در همین کتاب آمده است:

«... قحطبه به یاران خویش گفت: راهی می‌دانید که ما را به کوفه برساند و به ابن‌هبیره برنخوریم؟» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۴۵۸۹).

اصطخری در ذکر شهرهای عراق عرب، در باب قصر ابن‌هبیره آورده است:  
«میان بغداد و کوفه، هیچ شهری بزرگ‌تر از قصر ابن‌هبیره نیست، نزدیک فرات است و

رودهای دیگر آنجا رسد؛ چنان که ایشان را آب زیادتی باشد» (اصطخری، ۲۰۰۴: ۵۹).  
و به همین ترتیب، مقدسی در ذکر شهرهای بغداد، شهر ابن هبیره را نیز از جمله شهرهای بغداد نام می‌برد:

«شهرهای بغداد: نهروان، بردان، کاره، دسکر، طراستان، هارونیه، جلولا، باجسری، باقبه (باعقوبا، بعقوبا)، اسکاف، بوهرز، کلوادی، درزیجان، مداین، گیل (گال)، سیب، دیرالعاقول، نعمانیه، جرجرایا، جبل، نهرسایس، عبرتا، بابل، عبدسی، قصر هبیره» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۵۸-۱۵۹).  
در خصوص فاصله شهر ابن هبیره تا شهر بغداد، در منابع مختلف اختلافاتی مشاهده می‌شود. برخی از منابع، فاصله این شهر تا بغداد را ۱۲ فرسخ (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۸۷؛ بروسوی، ۱۴۲۷م: ۵۲۰؛ ابن رسته، ۱۸۹۲م، ج ۱: ۳۰۸ و ۳۰۹). برخی پنج فرسخ (ابن خردادبه، ۱۸۸۹م: ۱۲۷) و مقدسی این فاصله را یک مرحله ذکر می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۸۷ و ۱۸۸).

## ۲. وضعیت اقتصادی شهر ابن هبیره

در محتوای متون تاریخی و جغرافیایی اسلامی، اطلاعات بسیار پراکنده‌ای در مورد وضعیت اقتصادی شهر ابن هبیره مشاهده می‌شود. همان‌گونه که از متن منابع قابل استنباط است، شهر ابن هبیره در قرن چهارم، بزرگ‌ترین شهر بین بغداد و کوفه به شمار می‌آمد؛ ولی در آغاز قرن ششم، از اهمیت افتاد؛ زیرا حله در نزدیکی آن به علت فرارگیری در مسیر راه کاروان مکه و تغییر مسیر این راه، اهمیت پیدا کرد و جسر حله، راه عبور بغداد به کوفه برای کاروان مکه شد (لسترنج، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۷؛ دشتی، ۱۳۸۴: ۴۲). با استناد به منابع جغرافیایی، ابن هبیره، شهری بود بزرگ دارای بازارهای نیکو و یهودیان بسیار در آنجا اقامت داشتند (لسترنج، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۷). مقدسی نیز در مورد وضعیت اقتصادی شهر ابن هبیره بیان می‌کند:

«شهر قصر، شهری بزرگ با بازارهای خوب است. آب آن از فرات می‌آید. بافندگان و یهود در آن بسیارند و مسجدجامع در بازار آن قرار دارد» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۶۸).

با استناد به متن منابع در خصوص موقعیت جغرافیایی شهر ابن هبیره می‌توان گفت، این شهر، دو ویژگی مهم را برای احداث شهر ابن هبیره در نظر داشته است. نخست برپایی این شهر در کنار رودخانه‌های پُر آب فرات و سورا است که امکان بهره‌برداری حداکثری از منابع آبی را برای انجام امورات کشاورزی و شرب فراهم می‌ساخته است و پس از آن، موقعیت مناسب این شهر بر سر راه‌های کاروان‌رو تجاری است که عازم مکه بودند. به نظر می‌رسد، همین امر باعث

گردیده است که در این شهر، بازارهای مناسبی تأسیس گردد و در نتیجه، رونق اقتصادی آن افزایش یابد. اهمیت راه‌های تجاری به قدری در ادامه حیات شهر ابن‌هبیره مهم بوده است که با استناد به محتوای منابع جغرافیایی، با تغییر راه کاروانی مکه از شهر ابن‌هبیره به شهر حله در قرن ششم هجری، شهر ابن‌هبیره رونق و آبادانی خود را از دست می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد، الگوی معیشتی شهر ابن‌هبیره را ابتدا باید مباحث تجاری و اقتصادی، و سپس، به احتمال بسیار، کشاورزی و امور مربوط و وابسته به منابع آبی در نظر گرفت.

### ج. شهر هاشمیه و موقعیت جغرافیایی آن

بر اساس منابع تاریخی و جغرافیایی، سفاح عباسی (۱۳۳ق)، نخستین خلیفه عباسیان، پس از تصرف شهر ابن‌هبیره، در آنجا اقامت گزید و زمینه ساخت شهری تازه به نام شهر هاشمیه را در آن شهر فراهم ساخت. میان محتوای متون تاریخی و جغرافیایی مرتبط با مکان‌یابی دقیق شهر هاشمیه، اختلافات اندکی مشاهده می‌شود. برخی از منابع، شهر هاشمیه را منسوب به ابوالعباس سفاح و در مقابل و نزدیکی شهر ابن‌هبیره و پس از جابه‌جایی مجدد، در نزدیکی منطقه انبار می‌دانند و برخی دیگر، موقعیت شهر هاشمیه را در نزدیکی کوفه و اتمام آن را توسط جانشین سفاح، یعنی منصور عباسی ذکر می‌کنند؛ به بیانی دیگر، در بررسی منابع، نگارندگان با دو شهر به نام‌های «هاشمیه انبار» و «هاشمیه کوفه» مواجه شدند. در ادامه، ابتدا به نظر محققان در مورد موقعیت جغرافیایی شهر هاشمیه در مقابل شهر ابن‌هبیره، و سپس، دلیل و یا دلایل جابه‌جایی آن به منطقه انبار اشاره خواهیم کرد.

چون سفاح به خلافت رسید، در قصر ابن‌هبیره ساکن شد و بنای آن را تکمیل نمود و به شهر تبدیل کرد و هاشمیه نامید. طبق معمول، مردم آن را به ابن‌هبیره نسبت می‌دادند. وی گفت: گمان می‌کنم که آن شهر، همواره به نام ابن‌هبیره خوانده شود. از این‌رو، آن شهر را نپذیرفت و در برابر آن، شهری به اسم «هاشمیه» بنا کرد و در آن ساکن شد. پس از چندی، خواست در انبار اقامت کند و شهر معروف خود را در آن ساخت و هنگامی که از دنیا رفت، در همان شهر به خاک سپرده شد (براقی، ۱۳۸۱: ۲۴۶). یعقوبی نیز ابتدا محل ساخت شهر هاشمیه را همان شهر ابن‌هبیره می‌داند که به دلیل گرایش مردم ساکن در این شهر به همان شهر پیشین، یعنی شهر ابن‌هبیره، آنجا را ترک نمودند و در انبار، شهر معروف خود، [هاشمیه را] بنا کردند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۸۷). در کتاب أمراء الکوفه و حکامها نیز برپایی شهر هاشمیه توسط سفاح

عباسی را ابتدا در مقابل شهر ابن هبیره ذکر می‌کند که پس از آنکه مردم همچنان آن را به اسم «ابن هبیره» می‌نامیدند، سفاح آنجا را ترک نمود و در انبار، شهر جدید خود موسوم به هاشمیه را برپا کرد و سال ۱۳۴ق در آنجا سکنا گرفت ( آل خلیفه، ۱۴۲۵: ۴۷۶). عبدالعزیز دوری و دیگران در کتاب خود به نام بغداد ضمن اشاره به دلیل جابه‌جایی سفاح عباسی به منطقه انبار، موقعیت جغرافیایی شهر هاشمیه را به احتمال، منطقه انبار می‌داند.

«... در کوفه بود که سفاح خلیفه جدید، رسماً به خلافت نشست و نخستین خطبه خود را ایراد کرد؛ اما در این نواحی، قصری که بحق شایستگی عنوان اقامتگاه خلیفه جدید را داشته باشد، وجود نداشت. لذا سفاح به دلایلی که هیچ‌جا ذکر آن نیامده، ولی به یقین یکی از آنها گریختن از منطقه سلطه بعضی از هواداران غیرقابل اعتماد خودش بوده است (چنان که می‌دانیم ابومسلمه وزیر در آغاز کوشیده بود که خلافت را به یکی از علویان منتقل کند)، با خاندان و ملازمانش به شهر انبار که ساکنانش بیشتر مسیحی بودند، نقل مکان کرد و شاید در همین شهر هم بنای قصری را برای اقامت خود شروع کرده باشد (دوری، ۱۳۷۵: ۱۰۶).

نکته جالب توجه در این میان، آن است که در ادامه برخی از همین منابع که موقعیت جغرافیایی شهر هاشمیه را در منطقه انبار می‌دانند، نویسندگان به حضور جانشین سفاح، یعنی منصور در هاشمیه کوفه اشاره نموده، تکمیل شهر هاشمیه را توسط ایشان ذکر می‌کنند؛ برای نمونه، دوری در کتاب بغداد و در ادامه متن پیشین بیان می‌کند:

«... پس از او، برادر و جانشینش منصور، احتمالاً وقتی به کوفه بازگشت، در مجموعه سراهای باشکوهی که به هاشمیه معروف بود، سکونت گزید» (همان: ۱۰۶).

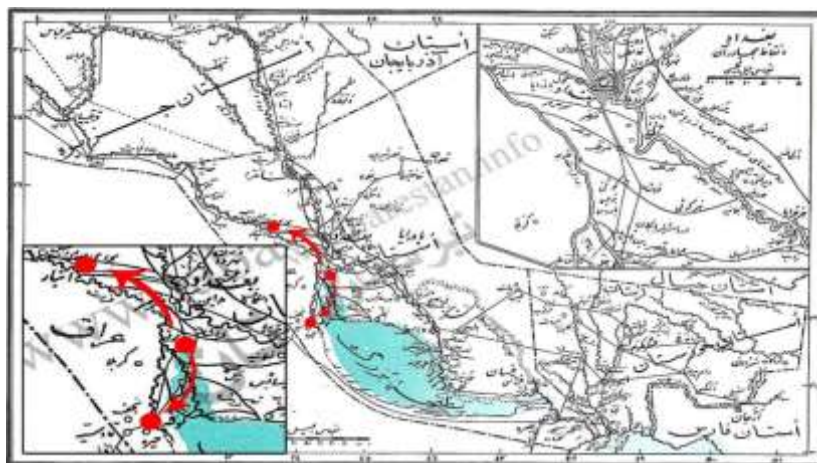
و یا در کتاب تاریخ کوفه پس از اینکه نویسنده از جانشینی منصور، برادر سفاح و تکمیل عمارت سفاح مطالبی ارائه می‌کند، ابتدا موقعیت هاشمیه را در کوفه و سپس در انبار (براقی، ۱۳۸۱: ۲۴۶) و پس از آن، موقعیت هاشمیه منصور را در نزدیکی کوفه ذکر می‌نماید (همان: ۴۵۷). یاقوت حموی نیز ابتدا موقعیت شهر هاشمیه را شهر ابن هبیره، و سپس، در منطقه انبار بیان کرده (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۳۸۹)؛ اما در آغاز توصیفات خود در مورد ساخت شهر بغداد، موقعیت شهر هاشمیه را نزدیک کوفه بیان می‌کند (همان، ج ۱: ۴۵۷). در کتاب اوضح المسالك إلى معرفة البلدان و الممالک نیز آمده است، سفاح ابتدا شهر خود را در نزدیکی کوفه بنا نهاد و آنگاه به منطقه انبار رفت تا آنکه دار فانی را وداع گفت. در کتب تاریخی، این شهر را «هاشمیه کوفه» می‌دانند (بروسوی، ۱۴۲۷: ۶۴۱). به همین ترتیب، در دیگر منابع آمده است:

«... به دوران امیر المؤمنین، علی علیه السلام، قصبه هاشمیه در کنار کوفه بنیاد شد و منصور عباسی عمارت آن (هاشمیه) را تمام کرد» (قره‌چانلو، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷۲).

بلاذری نیز بنای شهر هاشمیه را توسط ابوالعباس سفاح و موقعیت آن را در نزدیکی کوفه می‌داند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۷۸). در کتاب تاریخ قم، موقعیت جغرافیایی شهر هاشمیه، در ۴۰ کیلومتری شمال شهر کوفه ذکر شده است (قمی، ۱۳۸۵: ۵۴۲).

در نهایت، نویسنده کتاب آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهوره فی کل مکان قائل به وجود دو هاشمیه است؛ یکی را منسوب به ابوالعباس سفاح و در نزدیکی انبار و معروف به هاشمیه انبار، و دیگری را منسوب به منصور، برادر و جانشین سفاح و در کوفه و موسوم به هاشمیه کوفه می‌داند (منجم، ۱۴۰۸: ۳۵).

بنابراین، مکان دقیق شهر هاشمیه، همان‌گونه که پیش از این بیان گردید، به‌درستی از محتوای متون تاریخی و جغرافیایی قابل استنباط نیست. در این میان، آنچه مسلم است، تصرف شهر ابن‌هبیره توسط سفاح و نامگذاری این شهر به شهر هاشمیه است و به دلایلی که در متن به آنها اشاره شد، سفاح مجبور به جابه‌جایی این شهر و انتقال آن به مناطقی چون انبار و یا به احتمال، نزدیکی کوفه بوده است (نقشه شماره ۵). متأسفانه، در این منابع، هیچ‌گونه اشاره‌ای به الگوی معیشتی، وضعیت اجتماعی و دینی ساکنان هاشمیه در دوران عباسی نشده است.



نقشه شماره ۵: موقعیت جغرافیایی شهر ابن‌هبیره (نقطه قرمز رنگ میانی) و موقعیت‌های احتمالی شهر هاشمیه در مناطق انبار و کوفه (نقشه برگرفته از لسترنج، ۱۳۷۷:

(۴۲)

## نتیجه

مهرجانقذق یا سیمره که اعتبار تاریخی آن در متون تاریخی و جغرافیایی بازمانده به اثبات رسیده است، در ایالت جبال قرار داشته و امروزه خرابه‌های آن در گوشه‌ای از شهرستان دره‌شهر به چشم می‌خورد. سیمین لک‌پور در اثر خود شهرهای سیمره، ابن هبیره و هاشمیه را با ارائه دلایل باستان‌شناسی و برخی ملاحظات شجره‌ای مردم منطقه، یکی می‌داند. بر اساس متون تاریخی و جغرافیایی، سیمره مرکز ایالت مهرجانقذق در دامنه کوهی به نام کبر یا کبیرکوه در سرحد شمالی استان خوزستان قرار داشته است. این شهر با الگوی معیشتی کشاورزی که خود معلول شرایط محیطی آن است، در کنار شهرهای ماسپدان و حلوان، پس از حمله اعراب به عنوان مناطق مرزی مهم برای تأسیس پادگان‌های نظامی به جهت تأمین امنیت مرزی و نیز تهیه مالیات شهر کوفه شناخته شده است.

متأسفانه، در محتوای متون و منابع بررسی‌شده، به میزان بسیار کمتری به موقعیت جغرافیایی شهرهای ابن‌هبیره و هاشمیه و الگوی معیشتی و وضعیت اجتماعی، اقتصادی و... آنها اشاره شده است. دلیل چنین نقصی را می‌توان عمر کوتاه این شهرها با مرگ حکام آنها و به طور کلی، عدم حضور آنها در رخدادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرون اولیه اسلامی دانست؛ چراکه به هر میزانی که عمر شهرها طولانی‌تر، و تأثیر آنها در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بیشتر باشد، به همان میزان بخش بیشتری از مطالب مورخان و جغرافیانویسان را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین، در این پژوهش به میزان کمتری نسبت به بخش سیمره، به این دو شهر پرداخته شده است؛ اما با استناد به همین میزان از محتوای منابع، شهر ابن‌هبیره، شهری از دوره اموی، منسوب به یزید بن هبیره و در زمان حاکمیت ایشان با مرکزیت قصر ابن‌هبیره (به عنوان هسته اولیه شکل‌گیری آن) میان بغداد و کوفه و در کنار رود یا جسر سورا و بر سر راه کاروانیان مکه قرار داشته است. با استناد به منابع موجود، الگوی معیشتی این شهر، تجارت و بازرگانی و به احتمال بسیار، کشاورزی بوده است؛ اما در مورد موقعیت جغرافیایی شهر هاشمیه، به نظر می‌رسد میان اقوال مورخان و جغرافیانویسان اختلاف اندکی مشاهده می‌شود. همه آنها بر این اعتقاد هستند که سفاح پس از غلبه بر یزید بن هبیره، ابتدا تصمیم داشت شهر ابن‌هبیره را گسترش دهد و آن را هاشمیه بنامد؛ اما به علت مخالفت عمومی مردم با این نامگذاری، سفاح این منطقه

را ترک نمود و به سوی انبار نقل مکان کرد. برخی از پژوهشگران، این جابه‌جایی را به جانب نزدیکی کوفه نقل می‌کنند. فهمیدن این مطلب که آیا منصور برادر خلیفه پس از جانشینی، عمارت برادر خویش را تکمیل نموده و هاشمیه انبار را پیش از بغداد برای مرکزیت دولت عباسی انتخاب کرده و یا اینکه خود شهری تازه، به نام هاشمیه کوفه، یعنی هاشمیه دوم را پیش از انتخاب بغداد برپا ساخته، از محتوای متون بسیار دشوار است؛ اما به نظر می‌رسد، با توجه به محتوای اکثر متون و منابع بررسی‌شده، منصور شهر هاشمیه سفاح در انبار را پیش از ساخت شهر بغداد به عنوان مرکز خلافت تکمیل کرده باشد.

در نهایت و بر اساس این پژوهش، یکی دانستن موقعیت جغرافیایی شهرهای سیمره، ابن‌هبیره و هاشمیه و با بیان این مطلب که ویرانه‌های به‌جای‌مانده در ضلع جنوب‌غربی شهرستان دره‌شهر، شهر ابن‌هبیره از دوران امویه است که سفاح مدت کوتاهی آن را تصرف کرد و هاشمیه نامید، قابل تأیید نیست و این ویرانه‌های به‌جای‌مانده با استناد به محتوای متون تاریخی و جغرافیایی، همان شهر سیمره است.

## منابع

- آذرتاش، آذرنوش (۱۳۸۵)، چالش میان فارسی و عربی در سده‌های نخست، تهران: نشر نی.
- آل خلیفه، محمدعلی (۱۴۲۵ق)، أمراء الكوفة و حکامها، تهران: مؤسسه الصادق علیه السلام.
- ابن بلخی (۱۳۷۴)، فارسنامه ابن بلخی، مصحح: منصوررستگارفسایی، شیراز: انتشارات بنیاد فارس‌شناسی، چاپ اول.
- ابن اثیرجزری (۱۳۷۱)، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن حوقل (۱۳۶۶)، ایران در صورة الأرض، ترجمه: جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۸۸۹م)، مسالک الممالک، ترجمه: سعید خاکرند، بیروت: انتشارات دار صادر، افست لیدن، چاپ اول.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲)، الأعلاق النفسیة و یلیه کتاب البلدان، بیروت: انتشارات دار صادر، چاپ اول.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد (۱۳۷۹)، مختصر البلدان، ترجمه مختصر: محمدرضا حکیمی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن مسکویه، احمدبن علی (۱۳۷۶)، تجارب الأمم، مصحح: ابوالقاسم امامی و علی نقی منزوی، تهران: انتشارات سروش.
- احمدوند، عباس (۱۳۹۷)، «سیمره»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۵، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- اسماعیلی، مژگان و حسین علی بیگی (۱۳۹۳)، «جغرافیای تاریخی دو ایالت ساسانی ماسبدان و مهرجان قذق و چگونگی فتح آنها به دست اعراب مسلمان». مزدک‌نامه، انتشارات پروین استخری، تهران: شماره ششم: ۳۹۱ - ۴۰۳.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه: جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اشتری تفرشی، علیرضا (۱۳۹۲)، «جغرافیای تاریخی و جایگاه اقتصادی دینور»، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۷: ۷ - ۲۶.
- اشمیت، اریک.ف (۱۳۷۶)، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، مترجم: آرمان شیشه‌گر، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۲۰۰۴م)، المسالک والممالک، مصحح: محمدجابر عبدالعادل - حیبی، قاهره: الهيئة العامة للقصور الثقافه.



- اکبری، مرتضی (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل جایگاه ایالات ماسبدان و مهرجانقذق (ایلام) در دوره خلافت عباسی»، فرهنگ ایلام، دوره شانزدهم، شماره ۴۶ و ۴۷: ۵۵ - ۷۴.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۷)، مرآة البلدان، مصحح: عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- العمید، طاهر مظفر (۱۹۸۲م)، «تأسیس مدینة الأنبار»، کلیة الآداب دانشگاه بغداد: ۱۴۷ - ۱۶۰.
- امبرسز، ن، و ج - ب، ملویل (۱۳۷۰)، تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران، ترجمه: ابوالحسن رده، تهران: انتشارات آگاه.
- ایزدینپناه، حمید (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، ج ۱، تهران: انتشارات آگاه.
- براقی، حسین (۱۳۸۱)، تاریخ کوفه، ترجمه: سعید راد رحیمی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- بروسوی، محمد بن علی محقق (۱۴۲۷ق)، أوضح المسالك الی معرفة البلدان والممالک، محقق: مهدی عبدالرواضیة، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- برونر، کریستوفر (۱۳۸۱)، تقسیمات جغرافیایی و اداری؛ مالیات‌ها و بازرگانی، در مجموعه تاریخ ایران کمبریج، ج ۳، گردآورنده: احسان یارشاطر، تهران: امیرکبیر.
- بلاذری، ابوالحسن (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه: محمد توکل، تهران: انتشارات نقره.
- دشتی، محمد (۱۳۸۴)، «جغرافیای تاریخی شبکه آب‌های بین‌النهرین (بخش دوم: محور ت فرات)»، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲: ۳۴ - ۶۸.
- دوری، عبدالعزیز، دو و ما، دومینک سوردل، کلود کاهن (۱۳۷۵)، بغداد (چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی)، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۳)، اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات نی، چاپ چهارم.
- راولینسون، هنری (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون (گذر از ذهاب به خوزستان)، ترجمه: سکندر امان الهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- دومرگان، ژاک (۱۳۶۹)، جغرافیای غرب ایران، ج ۲، ترجمه و توضیح: کاظم ودیعی، تبریز: انتشارات چهره.
- رحمتی، محسن (۱۳۹۵)، «جغرافیای تاریخی ماسبدان در دوره سلجوقی»، فصلنامه فرهنگ ایلام، دوره هفدهم، شماره ۵۲ و ۵۳: ۷ - ۲۴.
- زارعی، محمدابراهیم، منصور، پیمان و سعید منصوری (۱۳۹۱)، «مکان‌یابی ایالت‌های ماسبدان و مهرجانقذق بر اساس متون دوره اسلامی و داده‌های باستان‌شناسی»، مزدک‌نامه، تهران: انتشارات پروین استخری.

- و علی اصغر نوروزی (۱۳۹۵)، «بازتاب الگوهای معیشتی شهرهای جنوب غرب ایران در منابع مکتوب دوران اسلامی از سده چهارم تا پایان سده نهم قمری/دهم تا پانزدهم میلادی»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال پنجاه دوم، شماره دوم: ۱ - ۲۰.
- شریفی‌نیا، اکبر و طیبه شاکرمی (۱۳۹۶)، باستان‌شناسی و تاریخ دره‌شهر (سیمره)، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- عباسی، ایوب (۱۳۸۳)، «از مهرگان تا سیمره؛ بررسی تحولات فرهنگی و اجتماعی ناحیه مهرگان کدک، از ورود اسلام تا سال ۳۵۰ق»، فرهنگ ایلام، شماره ۱۸ و ۱۹: ۸۷ - ۹۳.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، جلد‌های: ۵، ۸ و ۱۱ - ۱۶، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ پنجم.
- قدامه بن جعفر (۱۳۷۰)، کتاب الخراج، ترجمه و تحقیق: حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات البرز.
- قره‌چانلو، حسین (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: سمت.
- (۱۳۶۰)، «استان ایلام و عیلام؛ پژوهشی در جغرافیای تاریخی ماسبدان و مهرجانقذق»، مجله علمی - پژوهشی مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۳۵ و ۳۶: ۳۱ - ۵۲.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه: میرزا جهانگیر قاجار، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن (۱۳۸۵)، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن عبدالملک قمی، تصحیح: محمدرضا انصاری قمی، قم: انتشارات کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.
- کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۶۸)، شهرهای ایران، گردآورنده: محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کریمی، بهمن میرزا (۱۳۲۹)، راه‌های باستانی و پایتخت‌های غرب ایران، تهران: لسترنج، گای (۱۳۷۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه: محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- گردیزی، ابی‌سعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۶۳)، تاریخ گردیزی (زین الأخبار)، محقق: عبدالحی حبیبی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول.
- لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹)، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره)، تهران: انتشارات پازینه، چاپ اول.
- گیلانی، نجم‌الدین و علی‌اکبر کجباف (۱۳۹۳)، «تحلیل مقاومت‌های هرمرزان مهرگانی در برابر اعراب مسلمان»، فرهنگ ایلام، دوره ۱۵، شماره ۴۴ و ۴۵: ۱۲۵ - ۱۳۷.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۸۹۳م)، التنبیه و الاشراف، مصر: نشر دار الصاوی، نشر قاهره.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، تطبیق و تنظیم: علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴)، آفرینش و تاریخ، ترجمه: محمد شفیع کدکنی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

مارکورات، یوزف (۱۳۷۳)، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورونی، ترجمه: دکتر مریم میراحمدی، تهران: نشر اطلاعات.

مؤلف ناشناخته (۱۴۲۳ق)، حدود العالم من المشرق الی المغرب، محقق: یوسف الهادی، قاهره: نشر دار الثقافیه للنشر، چاپ اول.

ملایری، محمدمهدی (۱۳۷۹)، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۲، تهران: انتشارات توس.

منجم، اسحاق بن حسین (۱۴۰۸ق)، آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهوره فی کل مکان، بیروت: عالم الکتب.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، ۷ جلد، بیروت: انتشارات دار صادر، چاپ دوم.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.

Stein, sir Aurel, K.C.I.E. (۱۹۴۰), *old Routes of western iran, Narrative of an Archaeological Journey Carried Out and Recorded, Antiquities examined, described and illustrated with the assistance of Fred. H. Andrews, O.B.E, London.*

Morony, M. (۲۰۰۶), IRAQ i. IN THE LATE SASANID AND EARLY ISLAMIC ERAS, *Encyclopaedia Iranica, Vol. XIII, Fasc. ۵, pp. ۵۴۳-۵۵۰.*

Morony, M.G. (۱۹۸۲), *Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamic al-Iraq, Iran, vol ۲۰, The British of Persian Studies, London, pp. ۱-۴۹.*